

بنامه هنر

هنر یا هنر؟ هنر و تا بینهایت ها هنر...

ساده و در عین حال پیچیده ترین اصل بنیادی موجودیت بشر

هرکسی که تابحال چیزی خلق و ساخته است به نوعی تعریفی از هنر داراست بطن هنر با روح و جان و چشم بشر رابطه تنگاتنگ و عرفانی خاصی دارد.

آیا در هنر تنها چیزهایی را می یابید که دوست دارید؟ این سخن هم درست است و هم نادرست

درست ازین رو که آثار هنری به تمامی آدمها با هر روحیه ای حرفی برای گفتن دارد و نادرست ازین رو که هنر تنها با امور ذهنی سروکار دارد این اشتباه محض است زیرا بسیاری از آثار هنری ساخته و پرداخته تجارب محیط و جمع بسیاری از علاقه های هنرمند میتواند باشد.

آثار بسیار است و وقت کم:ما با اقیانوسی از تاریخ هنر که حدود بیست هزار سال تاریخ بشری را در برمیگرد رو برو هستیم و من اینجا یکی از ابرهنرمندها و اسطوره هایی که دنیای هنر و سیاست بشری را دگرگون کرده برمیگزینم که گاه آشنایی با آثار او شایعات ذهن را خاموش و دریچه ای نوب رویمان از انسان و هنر میگشاید...

کودکی سرشار از انگیزه های خلاق هنری

کودکی با امیدی وصف نشدنی در راستای نقاش شدن

کودکی مواجه با سیل مخالفت های پدر برای نقاش شدن

کودکی پیشرو

میدانید از که میگویم؟

بله آدولف هیتلر

نماد عربانی از اراده ای راسخ

همانطور که میدانید آدولف از کودکی رویای زیبایی نقاش شدن را در سر میپروراند غافل ازینکه سرنوشت برای او چیزهای دیگری میخواهد و باعث دوبار رد شدن در از مون پلی بسوی رویاهایش یعنی دانشکده هنرهای زیبای وین شد

در اینجا قصد بر این است که یکی از معروف ترین آثار وی را بر خلاف نظرات اساتید هنر آن دوره وین که معتقد بودند آثار آدولف خالی از احساس و درک بصری بوده است را تجزیه تحلیل کنیم...



مریم مقدس به همراه فرزندش عیسی 1913

بسیاری از منتقدان معتقدند که آدولف هیلنر روحیه ای بسیار خشن و بدور از مهر و محبت داشته است اما تنها نگاه به یکی از آثار وی برای نقض این نظر کافیهست.

این اثر را به مریم مقدس و عیسی نسبت داده اند اما با اندکی دقت کودکی آدولف در اغوش مادری مهربان و دلسوز که بعد فوت پدر به او وابستگی بیشتری پیدا کرد نمایان خواهد شد

اولین حسی که به بیننده با دیدن این اثر القا میشود آرامش حاصل از دیدن عطفیت مادر و سپس استفاده از رنگهای گرم و نوازشگر چشم است که در آن بکار رفته است نظیر: سفید زرد آبی سبز و....

سپس چیزی که به اثر مرکزیت بخشیده است رنگ قرمزی است که در پایین رخت مادر بکار رفته است

و بعد همان تیکه قرمز چشم را سوق میدهد به دنبال کردن آن .

گللهایی سمت چپ اثر قرار دارد که به گونه ای گویی پشت سر مادر است و یکی از نمادها و المانهایی است که بوسیله ی

ان میتوان لطافت زن را نشان داد و میبینید که آدولف چقد هوشمندانه و زیبا به مقام والای زن احترام نهاده و گلها را عینا در کنار او کشیده است

بالای تصویر را که دقت کنیم به نور ملایمی از ترکیبات رنگ زرد و سفید میرسیم که به معنای پاکی و مصومیت مادر و فرزند به کار رفته است نوری که متمایل به چهره زیبای مادر و فرزند در آغوش شکیده اوست

همانطور که میبینید نگاه فرزند بسیار نافذ است چنانکه در چشمانش حس میشود روزی آدم بزرگی خواهد شد و دستانش که بر روی سبد گلی است که مادر آنرا نگه داشته که کودک بتواند لمسش کند (بعضی از کارشناسان هنر آن را نشانی از سلطه هیتلر برملت آلمان تلقی کرده اند)

سپس چهره مادر و مهر مادری که در آن موج میزند که بصورت نیمرخ ترسیم شده است زنانگی خاص و حجب و حیایی که با شالی بر سر و لباسهای پوشیده (نماد روشنی از زن آریایی) به تصویر کشیده شده است و دست چپی که بر پشت فرزند قرار دارد نمونه بارز دادن حس امنیت به فرزندش است که از ارکان ذاتی مادر هاست

شاخه ها و برگهای سبز سمت راست تصویر و آن شاخه گل تنهای ناب سفید که رنگ و بوی خاصی به اثر بخشیده است

آدولف از دقت فراوانی برخوردار بوده که یکی از ارکان هنرمند بدون است میبینید که او حتی دوردست های دشت سرسبز را در سمت راست تصویر ترسیم کرده است تا نهایت که به کوها میرسد و با تئالیته ای از آبی ای که به سمت آبی بسیار کمرنگ کشیده شده است

همه و همه دست در دست هم داده اند تا در نتیجه تابلویی به این زیبایی خلق و در خدمت جوامع هنری و انسانی قرار گرفت...

تحلیل و بررسی :س. صفری